

نویسنده: : دوکتور احسان اور رحمان خان (Dr. Ahsan Ur Rahman khan)

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ (2018-02-17)

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

## مطالعه سیاست در جنگ افغانستان از طریق جیو پولیتیک ایالات متحده امریکا

Reading through US Geopolitics and its Afghanistan war  
policy

### قسمت دوم

**هزینه اقتصادی این جنگ:** اکثر نشرات و رسانهها اشتباه میکنند از اینکه میگویند اقتصاد افغانستان از زمان بعد از اشغال توسط امریکا و متحد (ناتو) ای آن رونق و بهبود قابل ملاحظه یافته است. بعنوان مثال یکی از این چندین نشرات چنین ادعا میکند: طبق گزارش صندوق بین المللی پول (IMF) اقتصاد افغانستان طی سال مالیاتی که در ماه مارچ سال (2004) به پایان رسید؛ پس از افزایش (30) درصد در (12) ماه گذشته (20) درصد رشد داشته است گزارش دیگری از آژانس حمایت از سرمایه گذاری افغانستان را از ماه مارچ سال (2012)، (34) ادعا میکند که اقتصاد افغانستان از سال (2003) به بعد بسرعت قابل توجه بوده است و آن اینکه نرخ رشد متوسط در طی سالهای (2003) تا (2011) در حدود (2، 11) فیصد بوده است. حالانکه تنها چند کشور در این منطقه طی دهه گذشته نرخ رشد بالای (10) درصد را تجربه کرده اند. این دستاورد قابل توجه است که رشد تولید ناخالص داخلی واقعی افغانستان در سالهای (2011) و (2012) به میزان (7، 5) درصد تخمین زده شد و در سالهای (2012) و (2013) این فیصدی افزایش می یابد و در کنار آن عاید و یا درآمد سرانه بر اساس تخمین و یا برآورد بانک جهانی در حد (501) دالر امریکایی تخمین زده میشود که افغانستان را از نقطه نظر عاید سرانه در جایگاه (175) در میان (190) کشور جهان قرار میدهد. (35).

واکنون این واقعیتها شناخته شده است که شاخص های اقتصادی ، اقتصاد افغانستان ، تولید خالص ملی ، (GNP) و غیره ... .. اغلباً توسط برخی دولت ها ، سازمانها ، و غیره نهادها مهندسی و نقاشی دستکاری شده است چراکه این واقعیت ها را میتوان از شاخص های اقتصادی کنونی افغانستان شناسایی کرد و بصراحت باید گفت که دشوار خواهد بود تا که از این واقعیت های موجود به ارتباط شاخص های اقتصادی افغانستان چشم پوشی کرد و یا این شاخص ها را وارونه انعکاس داد .

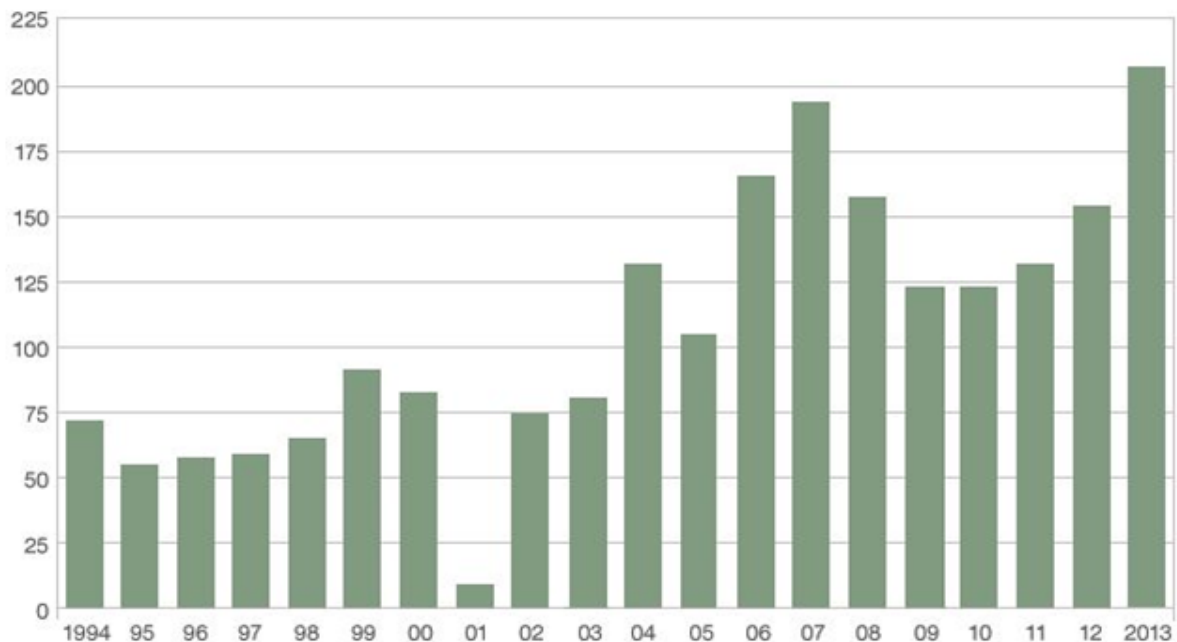
این یک واقعیت شناخته شده و انکار ناپذیر است که شاخص های اقتصادی ؛ اقتصاد افغانستان ، اعم از تولید ناخالص ملی ، (GNP) و غیره اغلباً توسط برخی از دولت ها ، سازمان ها و غیره نهادها مهندسی و نقاشی دستکاری شده است ؛ چراکه این واقعیت ها را میتوان از شاخص های اقتصادی کنونی افغانستان شناخت و یاد رک کرد و بصراحت باید گفت که مشکل و دشوار خواهد بود که واقعیت های وضعیت اقتصادی کشور را با شاخص های کنونی آن دستکاری کرد و یا واقعیت ها را دگرگون و وارونه انعکاس داد . باید اذعان کرد که در این زمینه بسیاری از گزارشهای معتبر ؛ مقالات تحقیقی و پژوهشی را بدست نشر سپرده و نشان داده اند که اقتصاد افغانستان در واقعیت امر اقتصاد یک کشور بحرانی مشکل ساز است ؛ چنانچه که یکی از نشرات بانک جهانی (36) نشان میدهد که علیرغم رشد تولید ناخالص داخلی (6،9) فیصد در سالهای از (2007) – (2008) تا سالهای (2011) – (2012) ؛ (36) درصد را نشان میدهد و تاکید میورزد که اقتصاد افغان ها هنوز در همان میزان اقتصاد ضعیف سالهای (2007) و (2008) خود با قیمتهای نده است که (1/3) افغان ها نمیتوانند که هزینه های اولیه خود را پوشش دهند و شگاف نیازها بین ثروتمندان و فقرا در سال (2012) بمراتب افزایش یافت چونکه میزان کاهش مصرف خانوار فقرا را نادیده گرفتند و همچنان دسترسی به مشاغل و خدمات اساسی بحال خود بدون دسترسی همچنان ادامه یافت الگوهای رشد اقتصادی در افغانستان شگاف بین اغنیا و فقرا را گسترش داد، فقدان آموزش ، معشیت و عدم دسترسی بخدمات اساسی بحیث مشکل اساسی در بین فقرا ی افغانستان باقی ماند یعنی که فقرا به خدمات اساسی و ..... دسترسی پیدا نکردند . همچنان نشریه دیگر از بانک جهانی (37) چنین نگاشت :

« فقر در افغانستان بمیزان قابل ملاحظه ای از (36) درصد طی سالهای (2011-2012) به (39) درصد و در سالهای (2013-2014) افزایش یافته است که در نتیجه (13) میلیون افغان دیگر قادر به تامین نیاز های اولیه خود نبوده و نرخ بیکاری در سال (2013) به (6،22) درصد رسید چونکه دولت نتوانست که ایجاد شغل نماید . و اشتغالات قبلی قبل از انتقال بمرحله کنونی نابود و از بین برده شد و عمدتاً صد مه از بین رفتن اشتغالات به جوانان و به جمعیت های روستایی و به کارگران بینوا رسید

پیشرفت در حوزه انکشاف انسانی آهسته و حضور دختران در مکاتب ابتدایی به شدت کاهش یافت بویژه آنهم در مناطق روستایی؛ افزون بر این نقیصه؛ گسترش و تشدید خشونت حالتی را بوجود آورده که ممکن دامنه فقر و تنگدستی به نسل های آینده نیز انتقال یابد و حالتی را بوجود آورد که اطفال از مدرسه و مکتب دور بمانند و تا اخیر عمر از نعمت سواد محروم گردند و در عین زمان میتوان دور ماندن کودکان را از مکاتب به خاطر بی جا شدن فامیل ها از خانه های شان به نسبت ادامه این جنگ نامعلوم دانست. به همین ترتیب یک گزارش توسط (بی بی سی) (38) نشان میدهد که با وجود تلاش های بغرض متقاعد ساختن دهاقین به تنوع بخشیدن و یا به کشت و زرع بدیل تریاک که اکنون بزرگترین قلم صادراتی افغانستان را تشکیل میدهد جا مه عمل نپوشید یعنی که دهاقین افغانستان از کشت و زرع خشخاش دست نکشیدند چنانچه همین اکنون این کشور در حدود (90) درصد از تریاک جهان را تولید میکند به هستوگرام ذیل توجه فرماید.

### Opium cultivation in Afghanistan, 1994-2013

Hectares (thousands)



Source: UNODC Afghanistan Opium Survey 2013

وضعیت اقتصاد رقت انگیز واقعی افغانستان به این ترتیب روشن شده است. و در کنار آن لازم به تذکر است که به دلیل تهاجم نظامی و اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و بعداً ایالات متحده امریکا این کشور به همچو وضع مبتلا شد که میتوان این هردو کشور اشغال کننده را مسول درجه یک این همه خرابی ها و ویرانی ها دانست.

یعنی این دوکشور بودند که همچو بد بختی های شدیدی را به توده های میلیونی افغانها به بار آوردند که این مردم تا هنوز درگرداب فقر و تنگدستی و نا امنی و خشونت دست و پا میزنند و به پیکر رشد اقتصاد طبیعی این کشور با آنها جم نظامی خود (اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا) لطمه زدند کشوری که در حال رشد و تقویه بنیه اقتصادی خود بود. و با آنها جم خود افغانستان را به مخروبه برگردانیدند که در این مورد کافی خواهد بود که از دو منبع معتبر اطلاعاتی گزارشی را در اینجا تقدیم و پیشکش نمایم: یکی از این دو منبع معتبر خبری و اطلاعاتی دایرت المعارف ایرانیکا است که در ارتباط رشد پایدار اقتصاد افغانستان مینوسید و آنرا به تاریخ (15) ماه دسمبر سال (1997) منتشر میسازد که نسخه جدید آن در تاریخ (8) ماه دسمبر سال (2011) از چاپ برآمد و در این نسخه به رشد پایدار اقتصاد در افغانستان اشاره میکند که شما میتوانید روند این رشد اقتصادی را در افغانستان از سال (1970) تا کودتای ماه اپریل سال (1978) که بواسطه خلقی ها و پرچمی ها صورت گرفت مطالعه و بازنگری کنید و در خواهید یافت که پس از حمله و هجوم اتحاد جماهیر شوروی بالای افغانستان در ماه دسمبر سال (1978) اقتصاد افغانستان در کدام نرخ و در مسیر رشد بالایی خود قرار گرفت یعنی که تولید ناخالص داخلی (GDP) با نرخ (5،4) درصد سالانه قمیت ها بگونه ثابت افزایش یافت که همچو تفاوتها رامیتوان در جدول شماره (یک) توام با تغییرات ساختاری را بملاحظه گیرید - زیرا سهم مجموع تولید و اشتغال در بخش های کشا و رزی و اولیه کاهش یافت و در منابع تولیدی و خدمات افزایش قابل ملاحظه رونما گردید (39). (منابع متن در این فشرده نقل قول از دایرت المعارف ایرانیکا است).

و آن منبع معتبر خبری و اطلاعاتی دیگر؛ مقاله ای تحقیقی تحت عنوان «تاثیر جنگ های اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا در افغانستان» در جامعه افغانستان در توجه خاص به زندگی روستایان افغان منتشره مورخ (10) نومبر سال (20-12) توسط **داکتر امتیاز گلخان** استاد پوهنتون آموزش و پرورش (جمو و کشمیر = J. K) قابل توجه است. (40)

**برجسته سازی و یا روشنی اندازی توسط دوکتور امتیاز گل خان:** قابل تذکر است که افغانستان در طول زمان اشغال شوروی و بعداً در سناریو رخداد (9/11) ایالات متحده امریکا چه از نظر ساختارهای زیربنایی و چه از نظر ضایعات انسانی صدمه جبران ناپذیری را متحمل شد و در واقع مقیاس آن با استقرار نیروهای اضافی (نا تو) و مقابله مستقیم ارتش پاکستان با گروه های طالبان (این داکتر امتیاز گلخان پاکستانی نیز حقیقت را کتمان مینماید و فراموش کرده است که جنرال مشرف بالاثرتهدید مستقیم امریکا تحت اخطاریه ای «پاکستان را به عصر حجر بر خواهیم گرداند» تا (180) درجه چرخش زد و خود را در خدمت امریکا با اخذ رشوه قرار داد و ظاهراً بر ضد

طالبان (در پاکستان) حاضر به مبارزه شد میدانهای هوایی و پادگاه های نظامی اش را در اختیار امریکا قرارداد و تا همین اکنون طالبان افغان را در داخل قلمرو خود نگه داشته به آنها سرپناه داده است پس چرا داکتر صاحب امتیاز گل خان که نامش افغانی است در خدمت پنجابی ها برحقا یق پرده می افکند ..... تبصره از مترجم) در مرز های بین پاکستان و افغانستان ادامه یافت .

او یعنی امتیاز گلخان سپس به بحث در مورد تخریبات و ویرانی های زیر ساختی و اجتماعی اقتصادی افغانستان و متضرر شدن میلیون ها افغان ناشی از تهاجم هر دو قدرتهای جهانی اعم از اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا به بحث توضیحی خود ادامه میدهد .

آنچه که در اینجا لازم به ذکر است این است : که افزون بر ویرانیها و تخریبات زیر ساخت های افغانستان ناشی از تجاوزات اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا بر افغانستان دولت افغانستان شیوه موفقانه ای را پس از خروج قطعات نظامی اتحاد جماهیر شوروی اتخاذ میکند و آن اینکه اقتصاد در حال رکود افغانستان را حکومت طالبان مجدداً رونق میدهند چونکه تجارت بین المنطقوی در مناطق تحت حاکمیت طالبان دوام میکند .

کشاورزی در کشور بهبود یافت و تولیدات غلات در سال (1998) به سطح نزدیک قبل از شروع جنگ در سال (1979) تا سال (1980) افزون گردید ؛ دامداری و زراعت به دلیل در دسترس قرار گرفتن و موجودی زمین ها بوره (زمینی که از زراعت برای مدت چندی باز مانده باشد) و زراعت مجدد این زمین های از زرع باز مانده موجب افزایش حاصلات و غله جات شد و در عین زمان باغداری با غرس نهال های مثمر میوه دار بهبودی قابل ملاحظه یافت .

طالبان اقدامات مناسبی را بغرض بهبود کشتا و رزی و احیای واحد های صنعتی اجرا کردند . تا جاییکه بالترتیب تولیدات غله جات در سال (1998) به (3,85) میلیون تن افزایش یافت یعنی که (50) فیصد بیشتر از سال (1997) .

در ثبات سیاسی بهبودی قابل ملاحظه رونما شد و اکثر روستایان یا مردمان ولایات کشور که ناشی از جنگ از خانه های شان بیجا شده بودند دوباره به خانه های خود عودت کردند و به کشاورزی و باغداری و کسب و کار شان آغاز کردند .

اما علیرغم این بهبودی و افزونی غله جات باز هم حکومت افغانستان در حدود (750000) تن گندم را بخاطر رفع نیازهای غذایی ساکنان کشور از بیرون وارد کرد و در کنار این همه فعالیتها و خدمات با ارزش ؛ حکومت طالبان برای جلب سرمایه گذاران خارجی که باید در بخش های مختلف کشور سرمایه گذاری کنند از هیچگونه تلاش دریغ نوزیدند و بخاطر تقویه بنیه اقتصادی کشور در کار و بار تجارت تجدید نظر صورت گرفت و بازرگانان را در این راه تشویق کردند که این خود راه را برای احیای مجدد

پروژه های عام المنفعه هموار ساختند ( این بود فشرده از متن مقاله داکتر امتیاز گلخان پاکستانی کسیکه میخواهد با این نوع چرند یا ت خود، طالبان را فرشتگان و صاحب نظران برجسته ای در بخش های زراعت ، دامداری ، باغداری ، تجارت ، و جلب سرمایه گذران خارجی معرفی نماید و برچشم توده های مردم با فهم خاک افشانی کند و مزدی را که برای اوتعین کرده اند آنرا با همچو تعلق و چاپلوسی بدست آورد و آن اینکه این آقای داکتر امتیاز گلخان این را فراموش کرده که طالبان سیاه ترین و عقبمانده ترین گله های انسان نما و ضد فرهنگ و آداب و معاشرت بودند و هستند که در دنیای نظیر آنها دیده نشده است و یکی از نمونه ای برجسته ای خصلت ضد فرهنگی شان که در مکاتب افراطی پاکستانی بی فرهنگ فرا گرفته بودند همانا از بین بردن بت های بامیان را میتوان یاد کرد و آن اینکه چون پاکستان عاری از فرهنگ و تاریخ فرهنگی است لذا این طالبان را که در مکاتب پاکستانی تدریس کرده اند برای آنها بی فرهنگی را آموزش داده اند که آقای دوکتور امتیاز گلخان از همچو واقعیت ها به نسب اجیر بودن خود چشم پوشی می نماید و یا چشم پوشی نموده است ..... **تبصره از مترجم** )

در ضمن آژانس (بی بی سی) قبل از گذارش دفتر مقابله با مواد مخدره و جرایم سازمان ملل متحد (UNODC) که در این تازه گی ها به دست نشر سپرده شده است نشان میدهد که تولید و زرع تریاک در افغانستان در طی سالهای بین (1994) تا (2013) نسبت به دوران زمامداری طالبان چند برابر بیشتر شده است چونکه طالبان اقتصاد ورشکسته افغانستان را به نسبت هجوم اتحاد جماهیر شوروی و بعد از خروج نیروهای نظامی شوروی بصورت سحر آمیز بهبود بخشیدند و آن اینکه در زمان زمامداری طالبان کشت و زرع تریاک ممنوع اعلان شد یعنی که تنها در حدود کمتر از (10) هزار هکتار زمین تریاک زرع میشد حالانکه با اشغال دوباره افغانستان توسط ایالات متحده امریکا در پهلوی آن که وضع معیشتی و سطح زندگی مردم دچار ورشکستگی شد کشت و زرع تریاک نیز چندین برابر شد یعنی که در حدود (200) هزار هکتار زمین برای کشت خشکشان مختص گردید تا جایکه همین اکنون در حدود (90) درصد تریاک جهان در افغانستان تولید میشود .

دلیل این امر واضح است ؛ یعنی تخریب و نابودی حیات اجتماعی و اقتصادی افغانستان ناشی از اشغال نظامی افغانستان توسط نیروهای متجاوز نظامی ایالات متحده امریکا که توده های ملیونی افغان را از دسترسی به هر وسیله اقتصادی دیگر بخاطر امرار حیاتشان محروم ساخت و جای هیچ تعجیبی هم نیست از اینکه بانک جهانی در یک نشریه خود ارایه مینماید که (بزرگترین چالش اقتصادی در افغانستان یافتن منابع پایدار رشد است) . (41)

اما آنچه که قبلاً در مورد پاکستان یادآور شده بودم این یادآوری ام در نشریه کنونی به

نشر رسیده است تاجایکه امار تعداد مردگان در طول مدت ده سال جنگ پاکستان علیه تروریسم در اولین نسخه بین المللی واشنگتن دی سی، برلین و اتاوا در ماه مارچ سال (2015) به نشر رسیده است و در آن چنین توضیح داده شده است که جنگ در پاکستان بازتاب جنگ امریکا / نا تو در افغانستان است و این جنگ در سال (2004) با سهمگیری فعال اردو پاکستان در برابر از بین بردن مخفیگاه های القاعده و طالبان در وزیرستان جنوبی آغاز شد { به نویسنده این مقاله صریحاً باید یادآور شد که چرا پاکستان رهبران این سازمانها را در شهرهای پاکستان اعم از کراچی اسلام آباد و کوئته و ... زندگی میکنند و در این شهرها بصورت آزادانه گشت و گذر مینماید و سا زمان جهنمی (آی اس آی) پاکستان برای آنها سرپناه داده است و از آنها حفاظت میکند دستگیر نمیشوند و به جهانیان نشان داده نمی شوند که اینک ما این رهبران را دستگیر و به پنجه قانون می سپاریم تا جایکه حتی رهبر القاعده در زیر زرخ اردو پاکستان در حیات آباد توسط کوماندو های ایالات متحده امریکا دستگیر و از بین برده شد و یا اینکه رهبر طالبان را در داخل خاک پاکستان با تهاجم هوا پیمای بدون سر نشین امریکا به قتل رسید- و چه ضرورت آن دیده میشد که پاکستان جنگ را در وزیرستان جنوبی بخاطر از بین بردن مخفیگاه های القاعده و طالبان آغاز نماید ( حالانکه پاکستان در تحت عنوان از بین بردن سران و جنگجویان القاعده اکثر رهبران آزادیخواه پشتون ها و بلوچ ها را از بین برد ) پس میتوان گفت که نویسنده این مقاله خواسته است که بر چشم مردم خاک بفا شد و توجه مردم را به سوی دیگر معطوف نماید و به این وسیله توانسته باشد که به سا زمان جهنمی ( آی اس آی ) پاکستان خدمت کرده باشد ..... **تبصره توسط مترجم** { در قدم اولیه چنین در نظر بود که دامنه این جنگ وسعت نه یابد ولی بخاطر بازجویی های تروریستی و جستجوی تروریست ها این جنگ آهسته آهسته در کل مناطق و قلمرو پاکستان گسترش یافت. (42)

به نسبت جنگ امریکا با تروریسم ، پاکستان به شدت هرچه تمامتر تحت تاثیر این جنگ قرار گرفت ؛ چنانچه در مورد اثرات ناگوار این جنگ بر پاکستان وزارت مالیه پاکستان دو گزارش تحقیقی را تهیه و آنرا بدست نشر سپرده است که یکی از این گزارش در مورد چنین است « هزینه جنگ علیه تروریسم برای اقتصاد پاکستان ؛ نشان میدهد که اقتصاد پاکستان به نسبت جنگ تشدید چها سال گذشته در افغانستان تحت فشار شدید قرار میگردد و از سال (2006) به بعد که دامنه این جنگ به نحوه از انحا به مناطق مسکونی پاکستان گسترش می یابد و پیامد این جنگ باعث تلفات در حدود (35000) شهروندان پاکستانی توام با از بین رفتن در حدود (3500) نیروهای امنیتی پاکستان میگردد و در پهلوی آن هزاران پاکستانی به نسبت تشدید جنگ از خانه های شان مجبور به مهاجرت های داخلی میشوند بخصوص در مناطق شمال غربی پاکستان که توام به آن به نسبت نا مساعد بودن هوا و اقلیم تمام فعالیت های اقتصادی مواجهه به رکود گردید

و اقتصاد پاکستان از این رهگذار به میلیون ها دالر خساره می بیند یعنی خرابی های اقتصادی و صنعتی که پاکستان در طول موجودیت خود به همچو خرابی ها مواجه نشده بود (43).

در نشریه تحقیقاتی دومی وزارت مالیه پاکستان چنین تذکر بعمل آمده است: که هزینه های مستقیم و غیرمستقیم پاکستان در طول (14) سال جنگ در افغانستان به علت حوادث تروریستی و فعالیت های اردوی پاکستان در ضدیت با تروریزم در حدود (31، 118) میلیارد دالر که معادل (16، 9869) میلیارد روپیه پاکستانی میشود صرف شده است که شما تفصیل این مصارفات را در جدول زیرین میتوانید بخوبی ملاحظه نماید.

**Table 2 Estimated Losses (2001 – 2016)**

<u>Years</u>	<u>Billion \$</u>	<u>Billion Rs.</u>
2001-02	2.67	163.90
2002-03	2.75	160.80
2003-04	2.93	168.80
2004-05	3.41	202.40
2005-06	3.99	238.60
2006-07	4.67	283.20
2007-08	6.94	434.10
2008-09	9.18	720.60
2009-10	13.56	1136.40
2010-11	23.77	2037.33
2011-12	11.98	1052.77
2012-13	9.97	964.24
2013-14	7.70	791.52
2014-15	9.24	936.30
2015-16*	5.55	578.20
<b>Total</b>	<b>118.32</b>	<b>9869.16</b>

تخمینات براساس اطلاعات بدست آمده از منابع M/o فرانسه /م و داخلی، /م و تجاری، /م و و گروه های مشترک. (44)

همچنین لازم به ذکر است که نشریه معتبر پاکستانی بنام دان (Dawn) یک گزارش از خبرگزاری فرانسه را بتاريخ (19) ماه می سال (2016) منتشر ساخت و در آن گزارش از بانک دولتی پاکستان را چنین نقل قول مینماید که پاکستان چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم به نسبت درگیری اش در مبارزه علیه تروریزم تا حال بیش از (3، 118) میلیارد دالر خساره مند شده است و در ضمن اشاره میکند که نیروهای ایتلاف یک وجه مالی در حدود یک میلیارد دالر را بگونه کمک به پاکستان در سال پیشکش کردند که توسط امریکا به تصویب رسید چنانچه پاکستان از سال (2006) تا کنون بیش از (14) میلیارد دالر دریافت کرده است. (45).



## ظهور نفرت و انزجار کتلوی انسانی علیه ایالات متحده آمریکا و جنگ متحدان آن بر ضد

**تروریزم:** احساسات روبه رشد ضد آمریکایی در نقاط مختلف جهان در نشرات و در رسانه های جمعی به نشر میرسد و این نشرات تحت عنوان ضد آمریکای پیوسته ادامه دارد و دلایل متعددی را با خاطر احساسات ضد آمریکایی بودن آرایه میدارند که شامل پس منظر تاریخی تفاوت های فرهنگی و بویژه در ضدیت به سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا میا شد سیاستی که در امور کشورهای دیگر مداخله میکند همچو احساسات ضد آمریکایی در بیشتر از کشورهای و بخصوص در بین حلقه های اروپایی میباشد. بخصوص که ایالات متحده آمریکا با مداخلات نظامی خود به تغیر رژیم ها در اکثر کشورهای می پردازد و یا کشورهای را در تحت تعزیرات اقتصادی از حاکمیت اقتصادی محروم میسازد که اکنون همچو سیاست و برخورد آمریکا از هیچکس پنهان و پوشیده نیست.

علل رشد احساسات ضد آمریکایی بودن را در اروپا الکساندر موسیسو دورس البانی (Aleksander Moisiu Durres Albani) از پوهنتون الیدا تومجا (Alida Tomja) در مقاله تحت عنوان (علل و پیا مد های احساسات ضد آمریکایی در اروپا) را بگونه فشرده چنین آرایه میدارد: او به رویت ارقام و داده های از اندریو کوهوت (Andrew Hohut) در تحت عنوان پروژه نگرش جهانی (Pew Global Attitudes Project) تاکید نموده. چهار اصل و یا جنبه را به ارتباط احساسات ضد آمریکایی تشخیص میدهد و میگوید که این چهار اصل از جمله دلایل مرکزی احساسات ضد آمریکایی در حال رشد در سراسر جهان و بویژه در اروپا (Kohut 2007 5-7) میا شد و چنین خاطر نشان میسازد که درک کلی این است که ایالات متحده آمریکا در عرضه بین المللی یک طرفه عمل میکند و از تصمیمات سیاست خارجی خود عدول میکند و منافع کشورهای دیگر را اصلاً در نظر نمیگیرد تنها منافع خود آمریکا را در نظر میگیرد.

- \* ناراحت ساختن گسترده دیگران با بکار بردن قدرت بی نظیر آمریکا بی.
- \* تمایزنا مناسب برای استفاده و یا بکار بردن نیروی نظامی و بویژه بشکل نیروی نظامی پیشگیرانه.

\* رد و طرد «امرکایی سازی» = "Americanization"، گسترش وسیع ایده ها و اداب و رسوم آمریکایی و وسعت و گسترش آن در سراسر جهان (46).

در مورد آن دسته از کشورهای یکه توسط نظامیان ایالات متحده آمریکا مورد هدف قرار گرفته اند و یا که مورد هدف و تجاوز نظامی قرار میگیرند برای افراد این کشورها بیش از حد یک فضای نا امید کننده ایجاد میشود و مردمان این کشورها در تحت خشونت و تهدید غیر انسانی این اشغال کننده ها قرار میگیرند و به همین سبب است که گرایش احساسات ضد آمریکایی در نزد مردمان این کشورها بوجود می آید و جمع انبوه از مردم این کشورهای تحت تجاوز و اشغال نفرت و انزجار روبه رشد خود را علیه آمریکایی ها

وشرکای جنگی امریکا نشان میدهند اما این ارتباط جمعی است که شمه ای از همچو انزجار مردمان تحت اشغال را به نشر می سپارند و از اشاعه و نشر حقایق تا جاییکه میتوانند اغماض و چشم پوشی میکنند.

بهر صورت مقاله ای تحت عنوان « اقدام نظامی ضد تروریسم ارتش ایالات متحده امریکا در خارج از کشور » را ایوان آیلند (Ivan Eland) مدیر مطالعات سیاست دفاع موسسه کاتو (Cato) مسسچوستوس (Massachusetts) (47) چنین یاد دهانی میکند:

«برحسب اظهارات وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا در ارتباط نمونه های از رخداد های حملات تروریسم جهانی از زمان پایان جنگ سرد، بیشترین رخدادها و حوادث از جمله (565) رویداد تروریسم بین المللی تنها در سال (1991) بوقوع پیوسته است (48) که عمده ترین از همچو رخدادها همانا جنگ خلیج بود که بوقوع پیوست و در همان سال در حدود (120) حملات تروریستی از اواسط ماه جنوری تا ماه فبروری یکی بعد از دیگری رخ داد و میتوان که بطور مقایسوی چنین ارزیابی کرد که تنها (17) واقعه تروریستی در مدت زمان همین دوره در سال گذشته که تنها (8) واقعه رخداد که میتوان در نظر گرفت» تحلیلگران تروریسم اظهار داشتند (49) که این رخدادها (بنام عملیات های آزاد) در راستای همبستگی با عراق ولی بدون حمایت از عراق صورت گرفته است. منابع خبرنگاری ویا ژورنالیستانان که مرکز رسانوی آن در شورشترین هارد وارد

#### (Shorenstein Harvard) قرارداد

با در نظر داشت روند سیاسی وپالیسی عامه در نشریه ای خویش تحت عنوان « احساسات ضد امریکایی در شرق میانه و رویدادها و شواهدی ناشی از آزمایش های ساحوی از کشور لبنان را در گزارش طنزآمیز ویا کنایه آمیز سال (2003) که توسط مرکز تحقیقات پیو (Pew) صورت گرفت چنین خاطر نشان می سازد که در آن زمان احساسات روبه رشد ضد امریکایی در خاور میانه روبه افزایش بود یعنی نه که تنها در خاور میانه بلکه در سراسر جهان و آنهم به نسبت تجا و ز ایالات متحده امریکا بالای عراق (50) بود.

مرتضی حسین نویسنده و تحلیلگر مستقل و باشنده ای تورنتوی کانادا در مقاله تحت عنوان ( ریشه های ضد امریکایی جهانی) که توسط موسسه نشراتی الجزیره بتاریخ یازدهم ماه دسمبر سال (2012) بدست نشر سپرده شد در آن چنین یاد آورده شده: «در حالیکه یک مقدار از پژوهش های با ورنکردنی مبنی به شکل گیری نظریه های مغلق و پیچیده بمنظور توضیح استغنا ایالات متحده امریکا بمثابه یک اصل منطقی رازور اکمام (Occam's Razor) = مربوط میشود به توضیح چیزی که نباید بیش از حد لازم فرض شود، این اصل اغلباً برای دفاع از اصلاح طلبی یا نومینالیسم مورد استفاده قرار میگیرد» که اغلباً ساده ترین توضیح درست است حاکی از آن است که نظامیگریهای امریکایی ها که یک بار کوریا را نابود کرد اکنون میخواهد که جهان اسلام ویا مسلمانان

را نابود و خراب کند؛ علت این نگرانی های روبه رشد و با شروع جنگ و اشغال گسترده در افغانستان خود موجب بی ثباتی در پاکستان شده است یعنی که بی ثباتی پاکستان نتیجه ادامه جنگ در افغانستان است در کشوری که پیوندهای قومی و مذهبی با همسایه گان خود دارد و اکنون ایالات متحده امریکا به یک رابطه نسبتاً خوشایند و روبه افزایش و مددش و خطرناک مبدل شده است تا جاییکه حتی در حلقهات سکولار پاکستان بر علیه امریکا بی ها ضدیت و تنفر و بدبینی ها شدید شده است (51).

بد نخواهد بود که از نظر سنجی نهاد پیو (Pew) که بتاريخ (27) ماه جون سال (2012) انجام داده بود چیزی ندانیم؛ قسمیکه در این نظرسنجی آمده است: «تقریباً سه چهارم پاکستانی ها که (74) درصد را تشکیل میدهد دشمنی شان را علیه امریکا بی ها ابراز میدارند که این رقم در سال گذشته (69) درصد و سه سال قبل (64) درصد بود (52). این احساس ناگوار و خصمانه پیوسته و بطور قطع در حال افزایش است.

و از سوی هم اکثر نشرات نشان میدهد که این احساس و بدبینی و تنفر خصمانه مشا به علیه ایالات متحده امریکا و علیه جنایات و تجاوزات نظامی امریکا و متحدین جنگی آن همچو «سلاح تخریب جمعی» در سراسر جهان پیوسته در حال افزایش است که این خود برای صلح در جهان میتواند خطرناک باشد.

### **نگرانی واقعی ایالات متحده امریکا در مورد ثبات یا بی ثباتی در افغانستان .**

دولت های ایالات متحده امریکا یکی بعد از دیگری پیوسته همیشه ادعا کرده اند که هدف از مداخله نظامی امریکا در خارج از کشور در کشورهای دیگر و تغییر رژیم هادر آن کشورها بخاطر ایجاد دموکراسی، و ملت سازی و تامین صلح و ثبات بوده؛ حالانکه واقعیت های اصلی و انکارناپذیر این است که هر مداخله نظامی ایالات متحده امریکا در هر کشور که مورد مداخله نظامی امریکا قرار گرفته است ثابت ساخته است که این همه ادعای های امریکا که از آن در فوق یاد کردیم غلط و نادرست بوده بلکه منظور از مداخله نظامی امریکا در امور کشورهای دیگر یکی از اهداف استبدادی خارق العاده جیو پولیتیک و جیو ستراتیژیکی و جیو ایکونومیکی امریکا بخاطر تامین منافع آن کشور میباشد - و یا میتوان گفت که سیاست خارجی ایالات متحده امریکا به ارتباط سیاست جنگ در هر مورد همیشه به اهداف واقعی جیو پولیتیک و جیو ستراتیژیکی و یا با ترکیب هر دو آن در مطابقت قرار دارد و یا به همچو سیاست متکی میباشد تذکر این مطالب که امریکا با مداخله نظامی خود در دیگر کشورها میخواهد که بخاطر تامین صلح و ثبات و ایجاد دموکراسی و ملت سازی به تغییر رژیم ها در آن کشورها می پردازد یک ادعای میان تهی و اصلاً در سیاست نظامیگری ایالات متحده امریکا شامل نمیشد.

این حقیقت تلخ به وضوح با واقعیت های اساسی که اکنون در سیاست جنگ امریکا

ملاحظه میشود در تطابق میباید شد. و آن آن اینکه ایالات متحده آمریکا با مداخلات نظامی خود در اکثر کشورهای ویرانی و نابودی و بی ثباتی و تلفات عظیم انسانی را بار می آورد که نمونه های از همچو مداخلات توأم با خرابکاریهای آمریکا را میتوان در به ایجاد کردن کره شمالی با سلاح های مدھش هستوی نام برد و یا فروپاشی حکومت و دولت عراق و تحمیل جنگ داخلی در آن کشور را و بعداً ایجاد دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) تخریب حکومت مرکزی افغانستان که از مدت (16) سال به اینطرف سیل خون در این کشور در جریان است و اصلاً جنگی است که پایان آن تا هنوز معلوم نیست و یا جنگ داخلی و هرج و مرج در سوریه بدون معلوم بودن پایان جنگ و درگیری در این کشور و یا تخریب و تجزیه لیبی و هر بخش آنرا در تحت کنترل قرار دادن ارتش ملی لیبی، دولت حمایت شده توسط سازمان ملل متحد و نیروهای دولت نجات ملی و برخی از شبهه نظامیان مسلح لیبیا.

این واقعیت نیز در بسیاری از نشرات درون مرزی و بیرون مرزی برجسته شده است که میتوان از سه منبع معتبر نشراتی که این واقعیت هارا بر ملا ساخته و یا بدست نشر سپرده است در اینجا از آن ذیلاً نقل قول نمایم:

یکی از این منابع نشراتی مقاله تحت عنوان « تغییر رژیم کار نمیکند و یا کارایی نیست» نام بریم که با بررسی بوستون (Boston) منتشر شده در تاریخ اول ماه سپتمبر سال (2016) توسط الکساندر بی دون (Alexander B. Down) استاد علوم سیاسی و امور بین المللی در پوهنتون جورج واشنگتن به رشته ای تحریر درآمده است که او در این مقاله چنین تاکید مینماید:

« از زمان شکست ناپلیون در سال « 1815» به بعد ایالات متحده آمریکا بعنوان عامل و چرخاننده و تمرین کننده ای جهانی تغییر رژیم مبدل شده است » با وجود اینکه امید های مدد جویان بخاطر تغییر رژیم توسط بیگانها اصلاً نیروی برای تامین و فراهم آوری ثبات نیست؛ چنانچه که در بیش از (40) درصد از کشورهای جهان هنگامیکه ایالات متحده آمریکا خواسته که در این کشورها اقدام به تغییر رژیم کند و یا رژیم ها را تغییر داده است با سپری شدن حد اقل ده سال در همچو کشورها جنگ های داخلی و اختلافات رخ داده است. (53).

مقاله دیگری تحت عنوان ( دولت اسلامی افراطی عراق و سور «ISIS» و پیامدهای ناخواسته جنگ آمریکا در جنگ عراق ) است که توسط مجله سیاست خارجی به تاریخ «23» ماه مارچ سال (2015) منتشر شده است این مجله یک نشریه ای آنلاین است که برای ارائه اخبار؛ تحلیل انتقادی و تبصره های سیاسی مختص شده است و نویسنده این مقاله آقای دیلی حسین ( Dilly Hussain ) معاون سردبیر اخبار اختصاصی برای مسلمانان بریتانیا و بلاک نویس سیاسی و سابق نویسنده نشرات بزبان انگلیسی برای

الجزیره و در عین زمان یک متخصص حقوق بشر نیز میباشد که نوشته های او پیوسته در ستون خواننده گان اسلام و یادر کانال های اسلام در روسیه امروز (Rt) و در (BBC Look) و (BBC ONE) و (BBC East) و (BBC South) و رادیو بی بی سی در مورد سیاست های درخا ورمیانه و شمال افریقا و همچنین داستان های داخلی او درباره سیاست خارجی بریتانیا ، اسلام هراسی ، و جنگ با تروریسم بدست نشر سپرده میشود او به ارتباط سیاست خارجی در امور بین المللی امریکا نوشته است که برخی عبارات از این مقاله او را چنین نقل قول میکنیم {او در یک مصاحبه که «بارک اوباما» با شین اسمت «Shane Smith» در این اواخر نموده بود - **اوباما** گفت: «داعش ما حاصل مستقیم از نهاد القاعده در عراق ناشی از حمله و تجاوز ما بالای عراق یکی از نمونه های ناخواسته در حال رشد ما میباشد» این اعتراف و شواهد خود از عوامل کلی مداخله نظامی غرب در جهان اسلام و ظهور گروپ های نظامی مسلح ارتجاعی و بویژه گروهک های خاص شبیه نظامی میباشد که در اثر حمله و تجاوز امریکا بالای عراق بدون شک و شبیه زمینه را برای تشکیل دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) ویا اینکه قبل از آغاز جنگ در افغانستان در پاکستان اصلاً در پاکستان طالبی وجود نداشت اکنون گروه بنام تحریک طالبان پاکستانی (Tehrik-e-Taliban Pakistan) را میتوان معرفی کرد که در سال (2007) بعنوان پاسخ به حضور «ناتو» در منطقه شکل گرفت و عرض وجود کرد.

به همین ترتیب نهاد **الشباب** قبل از نیروهای متفقین تحت حمایت غرب در (African union) وجود نداشت یا اینکه ارتش **کینیا** داخل **سومالیا** میشود به همان منوالی که در اثر مداخلات ایالات متحده امریکا گروه های چریکی در امریکایی جنوبی ظهور کردند - لذا میتوان گفت که در اثر مداخلات امریکا در اکثر کشورهای تحت مداخله و اشغال جنگ های داخلی رخ داده است ویا به درگیری های قومی و به جنگ های نیابتی انجامیده است و مداخلات امریکا در همه کشورها بخاطر تامین منافع امریکا صورت گرفته است و امریکا پیوسته تلاش ورزیده است که به اهداف جیو پولیتیکی - جیو استراتژیکی و جیو ایکونومیکی خود نایل آید ویا امریکا همیشه تلاش نموده است که بر منابع طبیعی کشورهای دیگر دسترسی پیدا کند مثلاً بر نفت عراق که در اثر مداخله امریکا زمینه برای ظهور دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه مساعد شد که این امر از نظر هیچکس پوشیده نمانده است . (54).

مقاله دیگری تحت عنوان **(بدترین میراث آشتباه آمیز «بارک اوباما» در جنگ امریکا در مواجهه شدن با مشکل است)** که توسط نشریه اتلانتیک در تاریخ (15) ماه اپریل سال (2016) نشر شده است و نویسنده این مقاله آقای **دومنیک تیرین** (Domnic Tierne) پروفیسور اگریزه و استاد علوم سیاسی در کالج سوارت مور (Swarthmore) چنین

مینویسد :

مداخله ایالات متحده آمریکا در لیبی برای سومین بار طی یک دهه نشان داد که واشنگتن در پی تغییر رژیم در این کشور بوده ولی کدام برنامه ای از قبل طرح شده برای تامین ثبات بعد از تغییر رژیم در لیبی نداشت همانطوریکه آمریکا در سال (2001) حکومت طالبان را در افغانستان منقرض ساخت ولی آمریکا هرگز حد اقل برنامه ای برای ایجاد ثبات و امن در افغانستان نداشت - وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا آقای دونالد رامسفلد در آغاز تهاجم نظامی بالای افغانستان در یادداشت های خود به معین وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا آقای دگلاس فیت (Douglas Feith) چنین مینویسد : « واشنگتن نباید به کسی اجازه دهد که نگرانی ها و جدوجهد ایالات متحده آمریکا را به ارتباط تامین ثبات در افغانستان با از بین بردن طالبان فلج کند و باید اذعان کرد که ملت سازی در این کشور هدف اصلی و استراتژیک ما نیست » واشنگتن دو سال بعد یعنی در سال (2003) باز هم مجدداً با وجود تصمیمات قبلی خود نتوانست که در کشور ثبات و امنیت را ایجاد کند و یا هماهنگی که اداره جورج دبیلو بوش بیسار مشتاق سرنگونی صدام حسین در عراق بود و به همان اندازه مصمم بود که از هرگونه موانع در مقابل ماموریت طولانی مدت ملت سازی در عراق جلوگیری بعمل آورد « نتیجه و یا پیامد این یک طرح تهاجمی (کوچک) اگر با هدف خروج سریع نیروهای متهاجم از کشور در حال انجام می بود و یا اخراج سریع نیروهای متهاجم از عراق مدنظر میبود چنانسی کمی برای سقوط و نابودی احتمالی نهاد ها و دارایی ها عراق و یا تشکل سازمانهای شورشی بنیادگرا در عراق وجود میداشت - واشنگتن رژیم ها را در افغانستان و عراق ولیبی از بین برد و سرنگون کرد ولی بعد از سرنگونی این کشورهای مسلمان هرگز برنامه ای برای تامین ثبات مصنوعی در این کشورها نداشت و یا نتوانست که به اشتراک مردمان بومی و محلی به ایجاد دولت های قابل پذیرش مردم نایل آید باوجودیکه در این جنگ ها در حدود (7000) سربازان خود را از دست داد و به ده ها هزار تن سربازان دیگر آمریکا زخمی و مجروح و معیوب شدند و بیش از تریلیون دالر مصرف و کشته شدن هزار ها انسان های ملکی و بیجا شدن میلیونها انسان ها در این کشورها همه و همه بدون کدام دست آورد اما با دستاورد اختلال و درگیری ها در این کشورها انجامید آنچه که ایالات متحده آمریکا با پیروی از سیاست نظامی و تجاوزکارانه خود این کشورها را تحت هجوم قرار داد. (55)

واقعیت های غیر قابل انکار فوق مرتبط با واقعیت های کنونی اصلی بوضوح نشان میدهد که از آغاز جنگ آمریکا در افغانستان مقامات مسول ایالات متحده آمریکا اصلاً در اندیشه و تفکر تامین صلح و ثبات بعد از سقوط رژیم طالبان در افغانستان نبودند و هم چنان جای هیچ شک و شبهه دیده نمیشود از اینکه آنچه را که دومنیک تیری (Dominic Tierney) در مقاله خود تذکر داده بود آنرا بطور کامل حذف نموده نباشند و یا در

یادداشتی که دونالد رامسفلد وزیر دفاع امریکا به معاون اش **دوگلاس فیت** که در آغاز تهاجم امریکا بالای افغانستان نوشته بود آنچه که متن آن یادداشت را فوقاً خاطر نشان ساختیم دستکاری نشده باشد.

**احتمالات احتمالی / امکانات مربوطه به زمان بندی پیش بینی شناسایی شده :** با توجه به نتیجه گیریها پی که از تحقیق دقیق و تجزیه و تحلیل جنبه های ذکر شده مربوط به جیوپولیتیک امریکا و سیاست جنگ آن کشور در افغانستان صورت گرفته است واضح و مبرهن است که ایالات متحده امریکا از همان آغاز تهاجم قصد نداشت که از قدرت نظامی خود در افغانستان کنار رود و یا عقب نشینی کند و تمام اهداف دیگری را که بگونه ضمنی اعلام کرده بود به سادگی سمبولیک و یک نمای مضحک داشت چنانچه که امریکا تا همین اکنون به گونه تزلزل ناپذیر صرف نظر از در نظر گرفتن واقیعت ها موجود در مدت زمان بیش از (16) سال پیوسته تلاش بحرچ داده است تا اگر بتواند گروه های مقاومت افغانستان را نیست و نابود کند و یک دولت تحت حما یه و دلخواه خود را در افغانستان ایجاد کند که همچو تلاش های او تا همین اکنون ثمری نداده است و یا میتوان گفت که امریکا در این تلاش های خود بخاطر نیل به هدف ناکام مانده است . و آن اینکه با وجود این همه تلاش ها و ادامه جنگ در طول این مدت (16) سال باز هم طالبان در حدود (40) تا (45) فیصد قلمرو افغانستان را در تحت کنترل و یا نفوذ خود قرار داده اند ؛ ایالات محده امریکا که بخاطر نیل به هدف خود در این مدت (16) سال با استفاده از نیروهای نظامی (در بعضی از مواقع تا حدود یکصد هزار سرباز) با بی رحم ترین تکنالوژی جنگ و صرف میلیاردها دالر و رشوه دادن به جنگجویان و جنگسالاران افراطی افغانی اقدامات همه جانبه را انجام داده است ولی باز هم نتوانسته است که یک حکومت قدرتمند طرفدار خود را در افغانستان ایجاد کند و مسلماً باید اذعان کرد که امریکا هرگز به هدف خود در افغانستان نایل نخواهد آمد چونکه افغان ها نسل اندر نسل مردم آزادی دوست بوده و به هیچ وجه نمیخواهند که در تحت اسارت و فرماندهی بیگانگان زندگی کنند این مطلب را تاریخ این کشور به تمام جهان بارها بارها نشان داده است ( که افغانستان قبرستان امپراتورها بوده است ) . باید بوضاحت گفت که این واقیعت را دولت مردان امریکا بی نیز میدانند و یا برای آنها مشخص است ولی با آنهم این مقامات و یا این حلقات جنگ طلب امریکا در اتکا به گزینه نظامی به ادامه جنگ و خون ریزی در افغانستان و در منطقه ادامه میدهند و منطقه را بی ثبات میسازند که دلایل این نگرش ایالات متحده امریکا کاملاً مشخص است .

(الف) : خونریزی و بدبختی های عظیم انسانی توسط امریکا علیه افراد خارجی و علیه مردمان افغانستان و پاکستان و دیگر کشورهای مسلمان از اهداف امریکا میباشد .

(ب) : تمویل و مصرف (1،07) تریلیون دالر در پروژه جنگ در افغانستان پولی که از خزینه متقاعدین نظامی و از جریمه ها و مالیات مالیه دهندگان امریکا تدارک و تهیه

شده است .

(ت) بی ثباتی در افغانستان و در منطقه توسط ایالات متحده امریکا بحیث یک دلیل مناسب برای حفظ و ادامه اشغال نظامی اش در افغانستان بعنوان یک هدف نهایی .  
متاسفانه این سناریو به احتمال حد اقل در حدود (2) تا (3) سال است که در محدوده فوری قرار دارد ؛ با اینحال احتمال دارد که پیامدهای جدی ناشی از این سیاست امریکا در آینده ها متصور باشد؛ پیامدهای بسیار خطرناک و آنهم اینکه امریکا و متحدان جنگ طلب اش هرگز اجازه نمیدهند که مردم از نیات و اهداف اینها درکی داشته باشند پس به همین منظور است که امریکا با پیاده کردن همچو سیاست های غیر انسانی خود برای توده های میلیونی از مردمان کشورهای تحت اشغال بدبختی ها و اختلافات و درگیری ها و خشونت را روا داشته است چونکه امریکا و متحدان او دائماً صرف نظر از بدبختی های مردم در پی تامین منافع خود هستند ولی بیخبر از اینکه تامین منافع امریکا خود زمینه را در داخل و خارج از امریکا چنان مساعد ساخته است که اکنون احساسات ضد امریکایی و انتقامجوی مردم بیشتر شده است و در داخل امریکا واکنش های مردم نسبت به سیاست تبعیض نژادی دولت امریکا مردم رابه ستوه آورده است و مردم امریکا واکنش های شدید خود را در مقابل بی عدالتی اجتماعی و اقتصادی نشان میدهند و یکی دیگر از پیامد این سیاست نادرست امریکا اینست که اکثر افغان های آموزش دیده شده توسط مریون امریکا اکنون به افراد ضد امریکایی مبدل شده اند و علیه منافع امریکا به اقدامات قابل ملاحظه دست میزنند پس چنین حوادث مطمئناً برای نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و متحدان او که ممکن است پس از آن مجبور شوند تا بخاطر از بین بردن و یا سرد شدن بدبینی های مردم علیه خود برای مدتی عقب نشینی کند و بعداً با اطمینان خاطر به انجام اعمال شیطانی و غیر انسانی خود دست بکار شود .

**درمورد نویسنده این مقاله :** او یک بریگارد (بازنشسته) فارغ التحصیل از کالج فرماندهی و کارکنان و کارشناسان ارشد دوره های جنگی نیروهای مسلح است او دارای تجارب هنگفتی به ارتباط مخالفت های بین هند و پاکستان دارد . او به نسبت مریضی قلبی که عاید حال او شده است متقاعد گردیده است او دوکترای خود را از پوهنتون پشاور بدست آورده و در پوهنتونهای راولپندی و اسلام آباد در بسا کنفرانس ها سخنرانی کرده است

----- **با تقدیم سلامها ( 2018-03-16 )** -----

Notes

(1). <http://www.sbs.com.au/news/article/2017/08/22/trumps-new-strategy-afghanistan>

(2). 'Geopolitics'. <http://encyclopedia2.thefreedictionary.com/geopolitics>

(3). <https://www.jstor.org/stable/pdf/1012568.pdf?refreqid=excelsior%3Af6c536f7296f75c6f87de7e55c928a4>



(4). Ibid p.20.

(5). Ibid p. 26.

(6). <http://nationalhumanitiescenter.org/tserve/nineteen/nkeyinfo/mandestiny.htm>

(7). <https://rickrozoff.wordpress.com/2010/05/09/global-military-bloc-finalizes-21st-century-strategic-doctrine/>

(8). Ibid.

(9). <http://www.mirror.co.uk/news/world-news/victim-blown-out-911-tower-11147645>

(10). <http://fpif.org/failing-afghanistan-world/>

(11). <https://www.ft.com/content/84faca7a-7a8d-11e6-b837-eb4b4333ee43>

(12). map afghanistan and surrounding countries including russia

(13). <http://www.providencejournal.com/opinion/20170911/letter-edwina-cloherly-real-reason-trump-wants-to-stay-in-afghanistan>

(14). Joseph Michael Gratale is Professor at the American College of Thessaloniki (ACT), where he teaches courses in the Department of Humanities and Social Sciences. After completing his B.A. in History and an M.A. in Sociology in the U.S., he went on to complete a Ph.D. in the School of English, Aristotle University of Thessaloniki, Greece on a range of topics relating to American cultural studies. He has published articles and book reviews dealing with American history and culture, cultural studies, and globalization. His recent research interests are war and culture, the U.S. "war on terror," and cultural globalization. . <http://www.enl.auth.gr/summerschool/2015/instructors.html>

(15). <https://ejas.revues.org/9709>

(16). Brown University' Cost of War Project <https://news.brown.edu/articles/2016/08/>

[costs-war](#) (Hereinafter cited as Cost of War Project).

(17). [Body Count: Casualty Figures after 10 Years of the 'War on Terror](#) [http://www.ippnw.de/commonFiles/pdfs/Frieden/Body\\_Count\\_first\\_international\\_edition\\_2015\\_final.pdf](http://www.ippnw.de/commonFiles/pdfs/Frieden/Body_Count_first_international_edition_2015_final.pdf)

(Hereinafter cited as Body Count Casualty Figures.)

(18). IPPNW is a non-partisan federation of national medical groups in 64 countries, representing tens of thousands of doctors, medical students, other health workers, and concerned citizens who share the common goal of creating a more peaceful and secure world freed from the threat of nuclear annihilation. <http://www.ippnw.org/about-us.html>

(Hereinafter cited as IPPNW.)

(19). Physicians for Social Responsibility is the largest physician-led organization in the US working to protect the public from the threats of nuclear proliferation, climate change, and environmental toxins. [https://en.wikipedia.org/wiki/Physicians\\_for\\_Social](https://en.wikipedia.org/wiki/Physicians_for_Social)

Responsibility (Hereinafter cited as Physicians for Social Responsibility.)

(20). Physicians for Global Survival (PGS) is the Canadian chapter of International Physicians for the Prevention of Nuclear War (IPPNW). It is a physician peace activist group that has existed since the early 1980s. <https://en.wikipedia.org/wiki/Physicians>

for Global Survival (Hereinafter cited as PGS.)

(21). Fatalities Terrorism Violence in Pakistan <http://www.satp.org/satporgtp/countries/pakistan/database/casualties.htm> (Hereinafter cited as Fatalities Terrorism Violence in Pakistan).

(22). Cost of War Project. op.cit.

(23). [https://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_Afghan\\_security\\_forces\\_fatality\\_reports\\_in\\_Afghanistan](https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_Afghan_security_forces_fatality_reports_in_Afghanistan)

(24). Body Count Casualty Figures. op. cit.

(25). Ibid. p.15.

(26). Ibid. p. 81.

(27). Ibid. p. 83.

(28). Fatalities Terrorism Violence in Pakistan. op. cit.

(29). [http://pu.edu.pk/images/journal/history/PDF-FILES/17%20Paper\\_v53\\_1\\_16.pdf](http://pu.edu.pk/images/journal/history/PDF-FILES/17%20Paper_v53_1_16.pdf)

(30). Ibid. p. 238.

(31). <http://www.eurasiareview.com/25092012-the-intricate-dynamics-of-us-drone-war-strategy-analysis/>

(32). Body Count Casualty Figures. op. cit. p. 90

(33). Ibid. p. 93.

(34). [https://en.wikipedia.org/wiki/Economy\\_of\\_Afghanistan](https://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_Afghanistan)

(35). <http://www.aisa.org.af/Content/Media/Documents/economy-fact-english711201413422838553325325.pdf> (p. 2)

(36). <http://www.worldbank.org/en/topic/poverty/publication/poverty-reduction-in-afghanistan-despite-economic-growth-widening-inequality>

(37). Afghanistan Poverty Status Update – Progress at Risk

<http://www.worldbank.org/en/country/afghanistan/publication/afghanistan-poverty-status-update-report-2017>

(38). Afghanistan: Before and after the Taliban 2 April 2014 <http://www.bbc.com/news/world-asia-26747712>

(39). Encyclopaedia Iranica. ECONOMY xi. IN MODERN AFGHANISTAN

<http://www.iranicaonline.org/articles/economy-xi-in-modern-afghanistan>

(40). Impact of Soviet and US War on Afghan Society with special reference to Rural Life

<http://www.criterion-quarterly.com/impact-of-soviet-and-us-war-on-afghan-society-with-special-reference-to-rural-life/> (Hereinafter cited as Impact of War on Afghan society.)

(41). Afghanistan Overview – World Bank Group

[www.worldbank.org/en/country/afghanistan/overview](http://www.worldbank.org/en/country/afghanistan/overview)

(42). Body Count Casualty Figures. op. cit. p. 81.

(43). Cost of War on Terror for Pakistan Economy – Ministry of finance

[http://www.finance.gov.pk/survey/chapter\\_11/Special%20Section\\_1.pdf](http://www.finance.gov.pk/survey/chapter_11/Special%20Section_1.pdf) (p.219)

(44). Impact of War in Afghanistan and Ensuing Terrorism on Pakistan’s Economy

[http://www.finance.gov.pk/survey/chapters\\_16/Annexure\\_IV\\_War\\_on\\_terror.pdf](http://www.finance.gov.pk/survey/chapters_16/Annexure_IV_War_on_terror.pdf)

(45). ‘War on terror’ has cost Pakistan \$118bn: SBP

<https://www.dawn.com/news/1297305>

(46). [Anti-Americanism in Europe: Causes and Consequences](#)

[www.mcser.org/journal/index.php/mjss/article/download/471/501](http://www.mcser.org/journal/index.php/mjss/article/download/471/501) (p. 262)

(47). [1 Excessive US Military Action Overseas Breeds Anti-US Terrorism By ...](#)

[https://wcfia.harvard.edu/files/wcfia/615\\_eland.pdf](https://wcfia.harvard.edu/files/wcfia/615_eland.pdf) (Hereinafter cited as Excessive U.S. Military Action Overseas.)

(48). U.S. Department of State, Patterns of Global Terrorism 2001 (Washington, D.C.: Department of State, 2002), p. 171(cited in Excessive U.S. Military Action Overseas. op. cit.)

(49). Ivan Eland, “Does U.S. Intervention Overseas Breed Terrorism?: The Historical Record,” Cato Institute Foreign Policy Briefing no. 50, December 17, 1998. pp. 14-15. (cited in Excessive U.S. Military Action Overseas. op. cit.)

(50). <http://journalistsresource.org/studies/international/the-roots-of-anti-americanism-in-the-middle-east>

(51). <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2012/12/201212108205749534.html>

(52). <http://www.pewglobal.org/2012/06/27/pakistani-public-opinion-ever-more-critical-of-u-s/>

(53). [Regime Change Doesn’t Work | Boston Review](#)

<http://bostonreview.net/downes-regime-change>

(54). ISIS: The “unintended consequences” of the US-led war on Iraq

<https://www.foreignpolicyjournal.com/2015/03/23/isis-the-unintended-consequences-of-the-us-led-war-on-iraq/>

(55). The Legacy of Obama’s ‘Worst Mistake’ There’s a problem with the American way of war.

<https://www.theatlantic.com/international/archive/2016/04/obamas-worst-mistake-libya/478461/>

The original source of this article is Global Research

